

بررسی مفطرات موجب قضاء و كفاره

محمد سالارکيا*

چکیده

بعضی از مفسدات روزه، نه تنها باعث وجوب قضا بر گردن انسان می‌شود، بلکه موجب ثبوت كفاره نیز می‌گردد. نسبت به برخی از این مفطرات نزد علما اختلافی نیست و همه قائل به وجوب قضا و كفاره به خاطر ارتکاب آن‌ها هستند. اما در بعضی دیگر اختلاف است. عده‌ای نسبت به بعضی از مفطرات فقط قضا را واجب می‌دانند و بعضی موارد را اصلاً مفسد روزه نمی‌دانند و تنها قائل به حرمت آن‌ها هستند. برخی از این حرمت‌ها فقط به اقتضای روزه است که حرام است، برخی دیگر هم همیشه حرام است. در این پژوهش، به بررسی این موارد خواهیم پرداخت.

واژگان کلیدی:

روزه، مفطرات، قضا، كفاره

* طلبة پایه پنجم مدرسه شهیدین (ره)



مقدمه

کتاب الصوم یکی از پنجاه و دو کتاب فقه شیعه است که در کتاب *لمعه* ی شهید اول، پس از کتاب *الخمس* و قبل از کتاب *الحج* آمده است. در این کتاب درباره‌ی موجبات روزه و شرایط وجوب و مفطرات و قضاء و کفاره‌ی افطار روزه بحث می‌شود. در نهایت هم استطراداً مبحث اعتکاف مطرح می‌شود و کتاب *الصوم* خاتمه می‌یابد. از بین مفطرات روزه، بعضی باعث وجوب فدیة می‌شود بدون این که قضا یا کفاره داشته باشد. برخی کارها هست که فقط باعث وجوب قضا بر گردن مکلف می‌شود بدون این که کفاره بر گردنش بیاید. ولی بعضی دیگر باعث وجوب قضاء و کفاره بر مکلف می‌شود که ان شاء الله این مورد را در این مقاله مورد بررسی قرار می‌دهیم.

مفطرات روزه

کسی که از اکل و شرب و جماع و استمنا و رساندن غبار متعدی به حلق و باقی ماندن بر جنابت در روزه‌ی واجب متعین - مثل روزه‌ی ماه رمضان - عمدتاً و از روی اختیار اجتناب نکند، باید کفاره بدهد و قضای روزه‌ای که در آن مرتکب مفطر شده را به جا آورد.^۲ کسی که در ماه مبارک رمضان جماع کند یا از روی عمد افطار کند باید برده‌ای را آزاد کند یا دو ماه پشت سر هم روزه بگیرد و یا شصت فقیر را اطعام کند به طوری که به هر مسکین یک مُد طعام بدهد. هم چنین باید قضای روزه‌ی آن روز را به جا آورد. و اگر نتوانست هیچ کدام از این کفارات را بپردازد هر آنچه که وسعش می‌رسد صدقه بدهد.

شیخ صدوق پس از بیان این حکم روایتی را هم از رسول خدا ﷺ نقل می‌کند که

۲. شهید اول، *الروضه البهیة*، ج ۱ ص ۳۸۶



حاکمی از همین حکم است.^۳ و^۴ و^۵ صاحب جواهر هم پس از بیان مفطرات صوم می‌فرماید تمام مواردی که بیان شد به جز بقاء بر جنابت، اگر عمدا انجام شود موجب قضا و كفاره است.^۶

شیخ درباره روزه و مبطلات آن، در *المبسوط* تقسیم‌بندی جالبی دارد.^۷ می‌فرماید: آن چه که روزه‌دار در طول روزه‌اش از آن امساک می‌کند بر دو قسم است؛ واجب و مستحب. واجب بر دو قسم است؛ فعلی که اگر آن را انجام دهد باعث فساد روزه‌اش می‌شود و فعلی که باعث فساد نمی‌شود. آن چه که باعث فساد می‌شود دو قسم است؛ یا این افساد در روزه‌ی متعین مثل روزه‌ی ماه مبارک رمضان یا نذر معین رخ می‌دهد و یا در روزه‌ی واجب متعین رخ نمی‌دهد. آن افسادی که در روزه‌ی واجب متعین رخ می‌دهد دو قسم است؛ یا هم موجب قضا می‌شود و هم موجب كفاره و یا این که فقط موجب قضا می‌شود و كفاره ندارد. سپس به نام بردن موارد این‌ها می‌کند. شیخ قائل است که ۹ مورد هستند که انجام آن‌ها موجب قضا و كفاره می‌شود: خوردن هر آن چه که قابل خوردن باشد. فرقی نمی‌کند که این خوردن معتاد باشد یا نباشد. یعنی مثلا نان و گوشت و... باشد یا سنگ و خاک و زغال و ریگ و سفال. و آشامیدن هر آن چه که قابل شرب باشد. چه معتاد باشد و چه نباشد. مثل آب و یا آب درختان و مایعات گل‌ها و امثال آن‌ها. و جماع، قبلا و دبرا چه انزال حاصل بشود و چه نشود. فرقی نمی‌کند که این جماع با زن باشد یا مرد یا میت یا حیوان. گرچه روایتی داریم که اگر

۳. شیخ صدوق، *من لا یحضره الفقیه*، ج ۲ ص ۱۱۵ ح ۱۸۸۵

۴. محمد بن یعقوب کلینی، *الکافی*، ج ۴ ص ۱۰۲ ح ۲

۵. شیخ طوسی، *الاستبصار*، ج ۲ ص ۸۰ ح ۲

۶. محمد حسن نجفی، *جواهر*، ج ۱۶ ص ۲۵۴

۷. شیخ طوسی، *المبسوط*، ج ۱ ص ۲۶۹



وطی از دبر باشد و انزال حاصل نشود روزه باطل نخواهد شد،^۸ ولی احتیاط این است که جماع در هر صورت مبطل باشد. مورد بعدی تعمّد خروج مایعی است که با شدت خارج شود.^۹ حال چه به خاطر نزدیکی و ملاعبه‌ی با همسر باشد و یا به روش‌های دیگر انزال، مثل استمناء. مبطل بعدی دروغ بستن بر خدا و پیامبر ﷺ و ائمه‌ی معصومین علیهم‌السلام است. و فرو بردن سر در زیر آب. و رساندن غبار غلیظ عمداً به حلق مثل گرد و غبار آرد یا هر چیز دیگری. و باقی ماندن بر جنابت تا طلوع فجر در صورتی که ضرورتی نباشد. و هم چنین کسی که پس از جنب شدنش، دو بار برایش انتباه به جنابت حاصل شود (بین هر انتباه خوابیده باشد) و دوباره بخوابد و طلوع فجر حاصل شود.^{۱۰} که روایات مربوط به این بحث مطرح شد.

در این موارد، علاوه بر این که باید قضای روزه را به جا آورد باید کفاره هم بدهد: اکل و شرب معتاد و غیر معتاد، جماع در حد غیوبه الحشفة قبل و دبر، باقی ماندن بر جنابت تا طلوع فجر، جنب خوابیدن بدون نیت غسل قبل از طلوع فجر، استمناء و رساندن غبار به حلق. مراد از استمناء طلب منی است که خارج شدن منی هم حاصل شود، لذا اگر طلب امناء بکند ولی به حدی نباشد که منی خارج شود، گرچه حرام است، ولی مبطل روزه نیست.^{۱۱} آن طور که شهید ثانی در مورد نظر صاحب شرایع می‌فرماید، در رساندن غبار به حلق، غلیظ و رقیق بودن شرط نیست و مطلق است.^{۱۲}

۸. شیخ طوسی، التهذیب، ج ۴ ص ۳۱۹ ح ۹۷۷

۹. منظور، منی است.

۱۰. شیخ طوسی، المبسوط، ج ۱ ص ۲۷۱

۱۱. شهید ثانی، مسالک، ج ۲ ص ۲۲

۱۲. همان.



خوردن و آشامیدن

خوردن و آشامیدنی که متداول باشد مورد اتفاق تمام مسلمین است که از مبطلات روزه است. اما خوردن و آشامیدن غیر معمول مثل خوردن زغال اختلافی است. اکثریت فقها قائل به مفطر بودن اکل و شرب غیر معتاد نیز هستند.^{۱۳} صاحب جواهر هم قائل به مفطر بودن اکل و شرب معتاد و غیر معتاد است.^{۱۴} اما سید مرتضی مواردی را که موجب قضا و کفاره هست نام می‌برد و می‌گوید که برخی از اصحاب دروغ بستن بر خدا و پیامبر ﷺ و ائمه علیهم السلام و ارتماس و احتقان و قیء کردن عمدی و فروبردن آنچه که خورده نمی‌شود را هم به مواردی که موجب قضاء و کفاره است ملحق کرده‌اند. اما برخی از ایشان قائل‌اند که این موارد فقط مبطل روزه‌اند و باعث قضا و کفاره نمی‌شود.^{۱۵} لذا معلوم می‌شود که خود سید مرتضی حتی قائل به مبطل بودن خوردن آنچه که خورده نمی‌شود هم نیست. چه رسد به این که باعث ثبوت قضا و کفاره نیز بشود. به این دلیل که تحریم اکل و شرب بر می‌گردد به آن چه که متعارف است. بقیه‌ی موارد که متعارف نیست طبق اصل اباحه، مفسد نیستند. شهید ثانی رحمته الله قائل است که اکل و شرب معتاد و غیر معتاد در صورتی که عمدا رخ بدهد موجب قضا و کفاره می‌شود. چون تحریم اکل و شرب به صورت مطلق آمده و شامل معتاد و غیر معتاد می‌شود.^{۱۶} اما در صورتی که اسم اکل و شرب را نتوان بر آن گذاشت کفاره ندارد. بلکه چه بسا بتوان گفت که اصلاً مفسد روزه هم نیست.^{۱۷} چون

۱۳. شهید ثانی، مدارک الاحکام فی شرح عبادات شرائع الاسلام، ج ۶، ص ۷۵

۱۴. محمد حسن نجفی، جواهر، ج ۱۶، ص ۲۱۷

۱۵. شریف مرتضی، جمال العلم و العمل، ص ۹۰

۱۶. شهید ثانی، مدارک الاحکام فی شرح عبادات شرائع الاسلام، ج ۶، ص ۴۳

۱۷. همان، ص ۷۵



از اسم اکل و شرب خارج می‌شود و دیگر منهی‌عنه روایت واقع نمی‌شود. حتی روایاتی داریم که تصریح به عدم حرمت و نداشتن قضا می‌کند. مثل روایتی که از امام علیه السلام سؤال شد که مگسی وارد حلقم شد، امام علیه السلام پاسخ دادند که قضا ندارد، چون طعام به حساب نمی‌آید.^{۱۸} اگر شهید ثانی سند این روایت را قبول داشته باشد، این روایت می‌تواند مؤید حرف او باشد. اما با توجه به این روایت نمی‌توان فهمید که آیا این اتفاق^{۱۹} مفسد روزه هم هست یا خیر. زیرا امام علیه السلام فقط تصریح به عدم وجوب قضا کرده‌اند. باید بررسی شود که آیا عدم قضا مستلزم عدم فساد در صوم هم هست یا خیر.

اما نراقی سخنی بسیار متفاوت و قابل تأمل در بحث معتاد و غیر معتاد در اکل و شرب دارد. می‌فرماید قید زدن اکل و شرب به معتاد، انصراف به خروج غیرمعتاد دارد. غیرمعتاد یعنی غیر از دهان مثل بینی یا چشم. منظور از غیرمعتاد، غیرمعتاد در مأكول نیست. یعنی اکل زغال هم اشکال دارد.^{۲۰}

جماع

بین علمای اسلام اختلافی در این قضیه نیست که وطی از قبل موجب قضا و کفاره است. بلکه اختلاف در مورد وطی از دبر است. اصل این است که وطی دبر مساوی با وطی قبل است چون جماع، هر دو را شامل می‌شود. عده‌ای که وطی دبر را مبطل نمی‌دانند، آن را اگر همراه با انزال باشد، مبطل می‌دانند. دلیل آن اطلاق روایت در مورد انزال است.^{۲۱}

۱۸. محمد بن یعقوب کلینی، *الکافی*، ج ۴، ص ۱۱۵، ح ۲

۱۹. خوردن چیزی که طعام نیست؛ خصوصاً وقتی که ناخودآگاه باشد.

۲۰. ملا احمد نراقی، *مستند الشیعه*، ج ۱۰، ص ۲۲۴

۲۱. محمد بن یعقوب کلینی، *کافی*، ج ۴ ص ۱۰۲، ح ۴



صاحب شرایع، وطی غلام و حیوان را جزو موارد قضا و كفاره نیاورده. از ظاهر عبارتش برداشت می‌شود که این دو را اصلاً مفسد صوم نمی‌داند. چون فساد روزه را تابع وجوب غسل قرار داده و در باب غسل قائل است که وطی غلام و حیوان موجب غسل نیست. بنابر این اگر قرار باشد روزه‌ی شخص روزه‌دار در وطی غلام یا حیوان فاسد شود از جهت انزال خواهد بود و نه از جهت وطی. بنابر این اگر انزال حاصل نشود باطل نخواهد بود.^{۲۲} ابن ادریس هم وطی دبر را مبطل صوم نمی‌داند اما آن را حرام می‌شمارد.^{۲۳} صاحب جواهر قائل است که جماع با زن از قبل هرچند بدون انزال قطعاً باید ترک شود. همچنین جماع در دبر زن و غلام و حیوان و قبل حیوان، بنابر اظهار شهر بلکه مشهور، باید ترک شود. اما اختلاف در بقیه‌ی موارد است که آیا ارتکاب این موارد موجب قضا و كفاره است یا قضاء فقط. اگر دخول را در دبر زن یا غلام انجام داد، به دلیل اجماع شیعه و احتیاط، قضاء و كفاره دارد. اما اگر دخول را در حیوان انجام داد و انزال هم رخ داد، به خاطر اطلاق روایت در مورد انزال، قضاء و كفاره دارد. اما در صورتی که دخول در حیوان باشد و انزال رخ ندهد، نصی در مورد آن نداریم. از آن جایی که مقتضای مذهب این است که قضا داشته باشد، قضا را واجب می‌دانیم، اما كفاره را به خاطر اصل برائت لازم نمی‌دانیم. در مورد کسی که دخول در دبر زن یا غلام یا حیوان کرد، می‌دانیم که قطعاً مرتکب حرام شده. ولی در مورد فساد صومش مترددیم. فساد صوم موطوء هم تابع وجوب غسل است. اگر غسل بر زن یا غلام واجب شود، روزه‌ی او هم باطل است. همانطور که اگر با وطی، غسل بر فاعل واجب شود هم باعث فساد صوم می‌شود.^{۲۴} در صورتی که شخص با

۲۲. شهید ثانی، مدارک الاحکام فی شرح عبادات شرائع الاسلام، ج ۶ ص ۷۵

۲۳. سید محمد حسین ترحینی عاملی، الزبادة الفقهية فی شرح الروضة البهية، ج ۳، ص ۱۲۸

۲۴. محمد حسن نجفی، جواهر، ج ۱۶، ص ۲۱۹ و ۲۲۰



همسرش کاری غیر از جماع انجام دهد و باعث خروج منی شود هم در حکم جماع است.^{۲۵} شهید ثانی می‌فرماید: وطئ حیوان، مطلقاً حرام است و همه آن را قبول دارند و در صورتی که انزال رخ دهد موجب کفاره خواهد بود. اما در صورت عدم انزال، سه قول وجود دارد:

۱. وجوب کفاره را فرع بر وجوب غسل می‌گیریم. ظاهر بیان سید مرتضی^{۲۶} و ابن جنید^{۲۷} هم همین است. اما در مبسوط با این که قائل به عدم وجوب غسل شده^{۲۸} ولی با این حال کفاره را واجب دانسته.^{۲۹} به نظر می‌آید که جمع بین عدم وجوب غسل و وجوب کفاره بعید است. چون مصنف در مختلف در باب جنابت غسل را واجب دانسته و در صوم این طور بیان کرده که غسل، معلول جنابتی است که خود جنابت علت کفاره است. و از آن جایی که غسل و کفاره، هر دو معلول جنابت‌اند و این که ثبوت یکی از معلولین به خاطر ثبوت علت، مستلزم ثبوت معلول دیگر است؛ پس نمی‌توان قائل به عدم وجوب غسل در عین وجوب کفاره در این مسئله شد.^{۳۰}
۲. به خاطر اصل برائت و ضعف علت وجوب و نیز عدم وجوب غسل، اصلاً چیزی واجب نیست. حتی در معتبر در باب جنابت فرموده: نصی در مورد وطئ حیوان نداریم. لذا شایسته است که به خاطر عدم وجود دلیل، موجب

۲۵. محمد بن یعقوب کلینی، الکافی، ج ۴، ص ۱۰۲، ح ۴

۲۶. شریف مرتضی، جمل العلم و العمل، ص ۹۶

۲۷. علامه حلی، مختلف الشیعه، ص ۳۰ و ۳۱

۲۸. شیخ طوسی، المبسوط، ج ۱ ص ۲۸

۲۹. همان، ص ۲۷۰

۳۰. شهید اول، غایه المراد، ج ۱ ص ۳۰۱



غسل نشود.^{۳۱} اما در باب صوم فرموده: اولی در این مسئله، وجوب غسل و باطل شدن روزه است. چون فرج حیوان است.^{۳۲} یعنی به نوعی از فرج اطلاق گرفته و حکم کرده. که این اطلاق گیری ضعیف است.^{۳۳}

۳. فقط موجب قضا می شود. ایشان در *الخلاف* ادعا کرده که اختلافی در این مسئله نیست.^{۳۴} صحت این قول فقط وجوب قضا را هم با نفی نص در این مورد ثابت کرده. اما قولش به این شکل رد می شود: عدم نص، باعث عدم وجوب قضا هم می شود.^{۳۵}

بقاء بر جنابت

حکم مبطل بودن این کار در روزه، مشهور است. حتی شهرتش نزدیک به اجماع است.^{۳۶} به خاطر روایاتی که در مورد شخصی سوال شده که جنب شد و عمدا با همان حال صبح کرد. امام علیه السلام پاسخ داده اند عتق رقبه کند یا دو ماه پشت سر هم روزه بگیرد یا شصت فقیر را سیر کند.^{۳۷} اما روایاتی که با این مضمون داریم، به حد نزدیک به تواتر رسیده. بنابر روایات معارضی را که دلالت بر جواز بقاء بر جنابت می کند،^{۳۸}

۳۱. محقق حلی، *المعتبر فی شرح المختصر*، ج ۱، ص ۱۸۱

۳۲. همان، ج ۲، ص ۶۵۴

۳۳. شهید اول، *غایة المراد*، ج ۱، ص ۳۰۲

۳۴. شیخ طوسی، *الخلاف*، ج ۲، ص ۱۹۱

۳۵. شهید اول، *غایة المراد*، ج ۱، ص ۳۰۲

۳۶. محمد حسن نجفی، *جوهر*، ج ۱۶، ص ۲۳۶

۳۷. شیخ طوسی، *تهذیب الاحکام*، ج ۴، ص ۲۱۲، ح ۶۱۶

۳۸. همان، ص ۲۱۰، ح ۶۱۰



حمل بر تقیه می‌کنیم.

بحث ما در مورد شروع کردن روزه همراه با جنابت است. بنابر این اگر کسی در طول روز محتلم شود جنابتش را در تنافی با صحت صوم نمی‌دانیم. حتی اگر در غسل کردنش تاخیر کند هم مشکلی نیست. اما آن چه را که مفسد صوم می‌دانیم، تعمد در جنابت در طول روز است. که آن هم از جهت انزال از طریق جماع و ملاعبه و یا استمناست که از این عنوان خارج است.^{۳۹}

این حکم نه تنها برای روزه‌ی ماه رمضان است، بلکه قضای روزه‌ی ماه رمضان هم نباید با بقاء بر جنابت آغاز شود. علت آن هم روایاتی است که در این بحث وارد شده.^{۴۰} اما روایاتی که در بحث روزه‌های مندوب وارد شده دلالت بر صحت روزه‌ی مستحبی همراه با بقاء بر جنابت می‌کند.^{۴۱} ولی مشهور این است که اگر روزه‌های واجب غیر ماه مبارک رمضان و قضای روزه‌ی ماه رمضان با بقاء بر جنابت آغاز شود صحیح نیست. چون این‌ها را نیز حمل بر روزه‌ی ماه رمضان می‌کنیم.^{۴۲}

معاودة النوم بعد انتباهتین

کسی که پس از جنب شدنش، دو بار برایش انتباه به جنابت حاصل شود (بین هر انتباه خوابیده باشد) و دوباره بخوابد و طلوع فجر رخ دهد روزه‌اش باطل است و باید کفاره بدهد و قضای آن را هم به جا آورد. فرقی هم نمی‌کند که نیت غسل کردن داشته و خوابیده و یا نیت نداشته باشد. شهید ثانی قائل است که حکم کفاره و قضا در شش مورد اول که در بالا ذکر شد، قطعی است ولی درباره‌ی مورد اخیر فقط

۳۹. محمد حسن نجفی، جواهر، ج ۱۶، ص ۲۳۷

۴۰. شیخ صدوق، من لا یحضره الفقیه، ج ۲، ص ۱۲۰، ح ۱۸۹۹

۴۱. همان، ص ۸۲، ح ۱۷۸۸

۴۲. سید محمد حسین ترحینی عاملی، الزبدة الفقهیة فی شرح الروضة البهیة، ج ۳، ص ۱۳۰

مشهور است^{۴۳} که كفاره و قضا دارد ولی سند آن صحیح نیست.^{۴۴} صاحب جواهر می‌فرماید کسی که جنب شود و با نیت غسل قبل از فجر بخوابد سپس بیدار شود و دوباره با نیت غسل بخوابد سپس بیدار شود و با نیت غسل بخوابد و طلوع فجر حاصل شود در حالی که خواب است، روزه‌اش باطل است و باید كفاره بدهد و قضای آن را به جا آورد. سپس اضافه می‌کند که علت حکم به این قضیه، شهرت آن است.^{۴۵}

احادیثی که شیخ در التهذیب آورده^{۴۶} هیچ کدام دال بر سه بار خوابیدن نیست. روایات تقریباً به صورت مطلق بیان کرده و به این صورت است: کسی که شب را جنب باشد و با همان صورت صبح کند باید كفاره بدهد. و حتی در بعضی از روایات تصریح به تعمّد کرده. یعنی حتی نیت غسل را هم کنار گذاشته. با این حساب، طریق و شیوه‌ی استدلال از طریق این روایات برای چنین حکمی خالی از ضعف نیست. گرچه اگر بخواهیم به روایاتی که تصریح به تعمّد نکرده‌اند استناد کنیم کم غلط‌تر است. اما با همه‌ی این اوصاف، از آن جایی که بسیاری از حکم‌های مشهور اصل و سندی ندارند، می‌توانیم این حکم را هم ملحق به آن‌ها کرده و بپذیریم.

اخلال به نیت روزه

شهید اول، تعمّد اخلال به نیت روزه را از مواردی شمرده که موجب قضا و كفاره است. و این مورد را به حلبی نسبت داده.^{۴۷} اما خود حلبی قائل است که اگر روزه‌دار،

۴۳. سید محمد حسین ترحینی عاملی، الزبدة الفقہیة فی شرح الروضة البهیة، ج ۳، ص ۱۳۱

۴۴. شهید اول، الروضة البهیة، ج ۱، ص ۳۸۶

۴۵. محمد حسن نجفی، جواهر، ج ۱۶، ص ۳۷۵

۴۶. شیخ طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۴ ص ۲۱۲، ح ۶۱۶ و ۶۱۷ و ۶۱۸

۴۷. شهید اول، الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة، ج ۱، ص ۲۷۴



عمدا مرتکب اکل و شرب یا فروبردن چیزی در حلق و یا جماع یا انزال منی یا دروغ بستن بر خدا و پیامبر ﷺ و ائمه ﷺ یا باقی ماندن بر جنابت شود یا این که قصد باطل کردن روزه به وسیله‌ی این مفطرات را داشته باشد، روزه‌اش باطل است و باید قضای آن را به جا آورد و هم چنین به ازای هر روز کفاره بدهد.^{۴۸} یعنی برده‌ای را آزاد کند یا دو ماه پشت سر هم روزه بگیرد یا شصت فقیر را اطعام کند. اگر روزه‌اش را با شرب خمر و یا جماع حرام باطل کند، هر سه کفاره را باید بدهد.^{۴۹} آن چه که شهید اول در دروس بیان کرد به این مضمون بود که نیت افطار از نظر حلبی موجب بطلان روزه می‌شود. اما آن چه که از کلام خود حلبی به دست می‌آید این است که حتی نیت مفطر هم موجب بطلان روزه و وجوب قضا و کفاره به خاطر آن است.

کذب بر خدا و رسول ﷺ و ائمه ﷺ

شهید اول در دروس قائل است که دروغ بستن به خدا یا پیامبر ﷺ و یا ائمه‌ی معصومین ﷺ و ارتماس در صورتی که با تعدد باشد هم موجب کفاره و قضا است. البته حکم را اختلافی می‌داند ولی از آن جایی که مشهور است آن را قبول دارد گرچه سندش ضعیف است.^{۵۰}

روزه‌دار باید از دروغ بستن به خدا و پیامبر ﷺ و ائمه‌ی معصومین ﷺ امساک کند و اختلافی در وجوب امساک در این مورد و بلکه در مطلق کذب نیست. بلکه اختلاف در مورد فساد صوم به وسیله‌ی دروغ بستن به ایشان و وجوب قضاء و کفاره به خاطر آن است. هم قول به مفسد صوم بودنش داریم و هم خلاف آن. اما به نظر

۴۸. مراد از هر روز، هر روزی است که در آن روزه‌ی واجب متعینش را به وسیله‌ی یکی از مفطرات مذکور از روی عمد باطل کرده باشد و یا قصد این کار را داشته باشد (طبق نظر گفته شده).

۴۹. ابوالصلاح حلبی، الکافی فی الفقه، ص ۱۸۲

۵۰. شهید اول، الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیه، ج ۱ ص ۲۷۴



می آید که مفسد نیست.^{۵۱}

استمناء

استمناء، طلب امناء از راهی غیر از جماع است. یعنی طلب خارج شدن منی. اما آن چه این جا مد نظر است، حاصل شدن امناء به وسیلهی استمناست. یعنی آن چه موجب بطلان روزه و موجب کفاره می شود، طلب امناء همراه با حصول امناء است و نه مطلق طلب امناء. گرچه مطلق طلب امناء هم حرام است ولی موجب کفاره نیست. در واقع می توان گفت که استمناء در بحث روزه، به معنای انزال به وسیلهی استمناء یا ملامسه یا بوسه زدن است.^{۵۲ و ۵۳ و ۵۴}

اختلافی نیست که استمناء از مفسدات روزه است. ارتکاب آن در حال روزه موجب قضا و کفاره است.^{۵۵}

احتقان

در مورد وجوب قضای صوم به خاطر احتقان جامد اختلاف است.^{۵۶} صاحب جوهر قائل است که احتقان به جامد در حال روزه جایز است ولی احتقان به مایع حرام است و مفسد صوم می باشد. ارتکاب آن عمدا در حال روزه موجب قضا و

۵۱. محمد حسن نجفی، جوهر، ج ۱۶، ص ۲۲۳

۵۲. شهید ثانی، مسالک، ج ۲، ص ۲۲

۵۳. محمد حسن نجفی، جوهر، ج ۱۶، ص ۲۵۲

۵۴. شهید ثانی، مدارک الاحکام فی شرح عبادات شرائع الاسلام، ج ۶، ص ۷۷

۵۵. همان.

۵۶. شهید اول، الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة، ج ۱، ص ۲۷۵



کفاره است.^{۵۷}

ارتماس

قول مشهور بین اصحاب، حرمت ارتکاب ارتماس برای روزه‌دار است. بلکه برخی قائل به اجماع در این قضیه هستند. اما بعضی دیگر مثل سید مرتضی، به خاطر اصل، ارتماس را حرام نمی‌دانند و آن را از مکروهات می‌شمارند. علت حرفشان این است که روایاتی را که دال بر کراهت ارتماس هستند^{۵۸} در کنار روایات حرمت^{۵۹} - که ما آن‌ها را دلیل برای حرمت ارتماس قرار می‌دهیم - قرار می‌دهند و کراهت برداشت می‌کنند.^{۶۰}

اما در مورد مفطر و مفسد بودن ارتماس به نظر می‌آید که این کار، اشکالی به صحت روزه وارد نمی‌کند. زیرا داخل کردن سر در آب، موجب وارد شدن آب به هیچ یک از منافذ بدن نشده و داخل بدن نمی‌شود.^{۶۱}

رساندن غبار متعدی به حلق

در مورد مفطر بودن رساندن غبار متعدی به حلق اختلاف است. اما طبق قول مشهور، این کار در حین روزه حرام است و باعث فساد روزه می‌شود.^{۶۲} برخی تفصیل بین غلیظ و غیر غلیظ قائل شده‌اند ولی دیگران این کار را مطلقاً موجب بطلان روزه

۵۷. محمد حسن نجفی، جواهر، ج ۱۶، ص ۲۵۴

۵۸. شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۲۰۹، ح ۶۰۶

۵۹. همان، ص ۲۰۳، ح ۵۸۱

۶۰. محمد حسن نجفی، جواهر، ج ۱۶، ص ۲۲۷

۶۱. همان، ص ۲۲۸

۶۲. همان، ص ۲۳۲



می‌دانند.^{۶۳} شهید ثانی رحمته الله روایتی را که قائلین به مفسد بودن این کار به آن استناد می‌کنند به خاطر جهل راوی و قائل، ضعیف دانسته^{۶۴} و ایصال غبار متعددی به حلق را طبق این روایت در صورت مجرد مضمضه و استنشاق و بوییدن رایحه‌ی غلیظ موجب کفاره می‌داند که کسی هم قائل به این حالت نیست.^{۶۵}

تدخین

آن چه از روایات به دست می‌آید، رسیدن دود به حلق اشکال ندارد. اما در مورد کشیدن سیگار، احتیاط آن است که این کار ترک شود. چون عموم مردم آن را انجام می‌دهند و در لغت عرب، به کشیدن آن، شرب اطلاق می‌شود.^{۶۶} این نظر کمی عجیب به نظر می‌آید. زیرا اولاً تدخین را زیرمجموعه‌ی اکل و شرب برده، به دنبال آن مسئله‌ی معتاد و غیر معتاد را مطرح کرده. لذا عمومیتش بین مردم را ملاک دانسته. سپس با توجه به این که در لغت عرب به آن شرب اطلاق می‌شود، حکم را نهایی کرده است.

و تکرر الکفارة

اختلافی نیست که کفاره هر روز ماه رمضان، با افساد روزه‌ی آن روز به طور جداگانه موجب کفاره می‌شود. یعنی کسی که لا لعذر عمدا تمام روزهای یک ماه رمضان را روزه نگیرد، قطعاً بدون اختلاف حداقل بر او به تعداد روزهای ماه رمضان،

۶۳. احمد بن محمد مهدی نراقی، مستند الشیعة فی أحكام الشریعة، ج ۱۰، ص ۲۲۷

۶۴. شیخ طوسی، تهذیب الأحکام، ج ۴، ص ۲۱۴، ح ۶۲۱

۶۵. شهید ثانی، مدارک الاحکام فی شرح عبادات شرائع الاسلام، ج ۶، ص ۷۷

۶۶. احمد بن محمد مهدی نراقی، مستند الشیعة فی أحكام الشریعة، ج ۱۰، ص ۲۳۰



کفاره واجب می‌شود.^{۶۷} اما اختلاف در جایی است که در یک روز واحد ممکن است چند کفاره واجب شود یا خیر.

شیخ و برخی دیگر قائل‌اند که ارتکاب چند مفطر در یک روز ماه رمضان، مطلقاً باعث تکرار کفاره نمی‌شود. چون آن چه که در نصوص ذکر شده، تعمّد داشتن در افطار است. افطار هم وقتی محقق شود دیگر دوباره محقق شدنش معنی ندارد. بنابراین این باید دلیل بر کفاره‌ی دوباره داشته باشیم. اما از آن جایی که دلیلی نداریم، پس به خاطر اصل برائت، تکرار کفاره هم نخواهیم داشت.^{۶۸}

اما برخی دیگر مثل شهید اول قائل به تکرار کفاره هستند. کفاره، به خاطر تکرار وطی و تغایر اطعام تکرار می‌شود. تخلل تکفیر بنابر اقرب و تغایر جنس بنابر احوط موجب تکرار کفاره است. اما در صورت اتحاد جنس قطعاً کفاره تکرار نمی‌شود.^{۶۹}

جمع بندی

اکل و شرب، به عنوان مفطرات روزه، مورد اتفاق همه‌ی علما است. همه قبول دارند که ارتکاب این مورد در حال روزه باعث بطلان آن می‌شود. اختلاف در بحث اکل معتاد و غیر معتاد است. برخی غیر معتاد را قید برای مأكول دانستند و برخی قید برای خود اکل. یعنی اکل از راه غیر معتاد مثل از راه چشم. به نظر می‌آید این نظر بهتر از خارج کردن خوردن زغال از مفطرات روزه است. اما روایتی که شخصی در مورد اکل ذباب از امام علیه السلام سوال کرد، این نظر را تضعیف می‌کند. ولی می‌توان علت عدم بطلان روزه در آن حدیث را غیر عمدی بودن اکل دانست. ذباب ناخودآگاه داخل حلق

۶۷. ملا احمد نراقی، مستند الشیعه فی أحكام الشریعه، ص ۵۲۷

۶۸. شیخ طوسی، المبسوط، ج ۱، ص ۲۷۴

۶۹. شهید اول، الدروس، ج ۱، ص ۲۷۵



شده و پایین رفته. لذا نظرمان تضعیف نمی‌شود. اما مشکل این جاست که امام علیه السلام فرموده: ذباب از چیزهایی است که خورده نمی‌شود. روزه‌اش باطل نیست. بنابراین، خود امام علیه السلام تعریفی از اکل غیرمعتاد ارائه کرده‌اند و اشاره می‌کنند که خوردن مأكولاتی که عادتاً خورده نمی‌شوند، باعث قضا و کفاره نمی‌شود.

در مورد جماع، استمناء، بقاء بر جنابت و ایصال غبار متعددی به حلق هم تقریباً بین علما اتفاق است که ارتکاب عمدی این موارد موجب قضا و کفاره است. اما تفصیلاتی مثل وطی دبر و بهیمه و غلام هم بود که برخی تصریح به افساد آن‌ها مانند فرج کرده بودند و برخی قائل به عدم افساد آن‌ها شده بودند، برخی هم آن را تابع غسل دانسته بودند. استمناء هم طلب خارج شدن منی همراه با خارج شدن آن از راهی غیر از جماع است. مانند استمناء بالید و یا ملامسه یا بوسه زدن و... که این کار هم موجب قضا و کفاره است. بقاء بر جنابت در صورتی موجب قضا و کفاره است که شخص از روی عمد و اختیار هنگام طلوع فجر، جنب باشد. اما کسی که در طول روز محتلم می‌شود، ولو تا هنگام مغرب هم غسل نکند، هیچ اخلالی به روزه‌اش وارد نمی‌شود. رساندن غبار متعددی به حلق طبق مشهور باعث قضا و کفاره می‌شود. برخی فقط قائل به وجوب قضا شده‌اند. برخی هم بین غبار غلیظ و غیرغلیظ قایل به تفصیل شده‌اند.

احتساب این شش مورد مذکور از مبطلات روزه بین علمای شیعه مورد اتفاق است. در مورد اصل وجوب بطلان به وسیله‌ی موارد دیگر مثل ارتماس یا احتقان اختلاف است. برخی به خاطر نهی در روایت فقط قائل به حرمت‌اند و برای بطلان نیاز به دلیل دیگری دارند. برخی همان روایات را هم رد می‌کنند و حتی حرمت را هم قبول ندارند. اما خود این شش مورد که مورد اتفاق از حیث بطلان است، مورد اختلاف از جهت وجوب قضا و کفاره است. همان طور که بیان شد، در بعضی از موارد، برخی فقط قائل به وجوب قضا شده‌اند و کفاره را واجب ندانسته‌اند. بنابراین



به طور خلاصه می‌توان گفت: بین تمام فقها اتفاق است که ارتکاب اکل و شرب و جماع و استمناء و بقاء بر جنابت و رساندن غبار متعددی به حلق، از روی عمد و اختیار، موجب باطل شدن روزه‌ی فرد می‌شود. اما در بحث وجوب کفاره در کنار قضا، در همین شش مورد هم اختلاف است.





فهرست منابع:

۱. حلبی، ابو الصلاح، تقی الدین بن نجم الدین، *الكافی فی الفقه*، در یک جلد، کتابخانه عمومی امام امیر المؤمنین علیه السلام، اصفهان - ایران، اول، ۱۴۰۳ ه.ق.
۲. حلّی، علامه، حسن بن یوسف بن مطهر اسدی، *مختلف الشیعة فی أحكام الشریعة*، ۹ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، دوم، ۱۴۱۳ ه.ق.
۳. حلّی، محقق، نجم الدین، جعفر بن حسن، *المعتبر فی شرح المختصر*، ۲ جلد، مؤسسه سید الشهداء علیه السلام، قم - ایران، اول، ۱۴۰۷ ه.ق.
۴. شریف مرتضی، علی بن حسین موسوی، *جمل العلم والعمل*، در یک جلد، مطبعة الآداب، نجف اشرف - عراق، اول، ۱۳۸۷ ه.ق.
۵. طوسی، ابو جعفر، محمد بن حسن، *الاستبصار فیما اختلف من الأخبار*، ۴ جلد، دار الکتب الإسلامية، تهران - ایران، اول، ۱۳۹۰ ه.ق.
۶. _____، *الخلاف*، ۶ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۰۷ ه.ق.
۷. _____، *المبسوط فی فقه الإمامیة*، ۸ جلد، المكتبة المرتضویة لإحياء الآثار الجعفریة، تهران - ایران، سوم، ۱۳۸۷ ه.ق.
۸. _____، *تهذیب الأحكام*، ۱۰ جلد، دار الکتب الإسلامية، تهران - ایران، چهارم، ۱۴۰۷ ه.ق.
۹. عاملی، سید محمد حسین ترحینی، *الزبدة الفقهیة فی شرح الروضة البهیة*، ۹ جلد، دار الفقه للطباعة و النشر، قم - ایران، چهارم، ۱۴۲۷ ه.ق.
۱۰. عاملی، شهید اول، محمد بن مکی، *الدروس الشرعیة فی فقه الإمامیة*، ۳ جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، دوم، ۱۴۱۷ ه.ق.



۱۱. _____، *الروضة البهية في شرح اللمعة الدمشقية*، ٤ جلد، مجمع الفكر الاسلامي، قم، ١٤٢٤ هـ.ق.
۱۲. _____، *غاية المراد في شرح نكت الإرشاد*، ٤ جلد، انتشارات دفتر تبليغات اسلامي حوزه علميه قم، قم - ايران، اول، ١٤١٤ هـ.ق.
۱۳. عاملي، شهيد ثاني، زين الدين بن علي، *مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام*، ١٥ جلد، مؤسسة المعارف الإسلامية، قم - ايران، اول، ١٤١٣ هـ.ق.
۱۴. عاملي، محمد بن علي موسوي، *مدارك الأحكام في شرح عبادات شرائع الإسلام*، ٨ جلد، مؤسسه آل البيت عليه السلام، بيروت - لبنان، اول، ١٤١١ هـ.ق.
۱۵. قمّي، صدوق، محمد بن علي بن بابويه، *من لا يحضره الفقيه*، ٤ جلد، دفتر انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين حوزه علميه قم، قم - ايران، دوم، ١٤١٣ هـ.ق.
۱۶. كليني، ابو جعفر، محمد بن يعقوب، *الكافي* (ط - الإسلامية)، ٨ جلد، دار الكتب الإسلامية، تهران - ايران، چهارم، ١٤٠٧ هـ.ق.
۱۷. نجفی، صاحب الجواهر، محمد حسن، *جواهر الكلام في شرح شرائع الإسلام*، ٤٣ جلد، دار إحياء التراث العربي، بيروت - لبنان، هفتم، ١٤٠٤ هـ.ق.
۱۸. نراقی، ملا احمد، *مستند الشيعة في أحكام الشريعة*، ١٩ جلد، مؤسسه آل البيت عليه السلام، قم - ايران، اول، ١٤١٥ هـ.ق.